



© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.
انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

سنترپژوهی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی آموزش زبان انگلیسی با رویکرد تصویر هنری در پایه هفتم متوسطه اول

مشخصات نویسندگان:

- شیوه استاندارد: صفوی، سیده نیلوفر،
طهماسب زاده شیخدار، داوود، ادیب،
یوسف، و ایمان زاده، علی. (۱۴۰۵).
سنترپژوهی و اعتبارسنجی الگوی برنامه
درسی آموزش زبان انگلیسی با رویکرد
تصویر هنری در پایه هفتم متوسطه اول،
یادگیری، تربیت و آموزش مدارس در
هزاره سوم، ۳(۱)، ۲۲-۱.
۱. سیده نیلوفر صفوی: دانشجوی دکتری مطالعات برنامه ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، پردیس دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۲. داوود طهماسب زاده شیخدار: استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۳. یوسف ادیب: استاد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۴. علی ایمان زاده: دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

*پست الکترونیکی نویسنده مسئول: d.tahmaseb@tabrizu.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی آموزش زبان انگلیسی با رویکرد تصویر هنری برای دانش آموزان پایه هفتم دوره اول متوسطه انجام شد. این پژوهش از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی - تحلیلی، از نظر رویکرد کیفی - کمی و از نظر هدف کاربردی بود. در بخش کیفی، با استفاده از روش سنترپژوهی و تحلیل محتوای اسنادی، ۱۳۵ منبع علمی شناسایی و پس از اعمال معیارهای ورود و خروج، ۵۵ پژوهش برای تحلیل نهایی انتخاب شد. تحلیل کیفی با تلفیق مراحل پیشنهادی هورد و رابرتس و با کدگذاری باز و محوری بر مبنای عناصر برنامه درسی اگر انجام شد. برای بررسی پایایی کدگذاری، دو ارزیاب مستقل مشارکت داشتند و میزان توافق بین ارزیابان ۸۳ درصد به دست آمد. در بخش کمی، الگوی استخراج شده در اختیار ۱۰ متخصص برنامه‌ریزی درسی قرار گرفت و اعتبار محتوایی آن با استفاده از نسبت روایی محتوا (CVR) بررسی شد. نتایج اعتبارسنجی نشان داد که نسبت روایی محتوای تمامی عناصر الگوی پیشنهادی از مقدار معیار ۰.۵۶ برای ۱۰ متخصص بیشتر بود. مقادیر CVR برای منطق ۰.۷۶، اهداف ۰.۷۸، محتوا ۰.۷۳، راهبردهای یاددهی و یادگیری ۰.۸۱، نقش معلم ۰.۷۴، مواد و منابع ۰.۷۰، گروه‌بندی ۰.۷۲، مکان ۰.۷۸، زمان ۰.۷۴ و روش‌های ارزشیابی ۰.۸۱ به دست آمد. میانگین CVR کل الگو ۰.۷۴ بود و بدین ترتیب اعتبار محتوایی الگوی پیشنهادی تأیید شد. الگوی طراحی شده، چارچوبی معتبر برای تلفیق تصویر هنری با آموزش زبان انگلیسی پایه هفتم فراهم می‌کند و بر یادگیری فعال و پایدار، کاربرد آموخته‌ها در موقعیت‌های واقعی، خلاقیت و تفکر انتقادی، محتوای بین‌رشته‌ای و چندرسانه‌ای، فعالیت‌های عملکردی، آموزش چندوجهی و تعاملی و ارزشیابی جامع تأکید دارد. این الگو می‌تواند مبنایی برای طراحی محتوای آموزشی، هدایت فعالیت‌های معلمان و توسعه تجربه‌های یادگیری جذاب‌تر و معنادارتر در آموزش زبان انگلیسی باشد.

واژگان کلیدی: برنامه درسی؛ آموزش زبان انگلیسی؛ تصویر هنری؛ پایه هفتم؛ سنترپژوهی؛ اعتبارسنجی



Research Synthesis and Validation of an English Language Curriculum Model Based on an Artistic Image Approach for Seventh-Grade Students

How to cite: Safavi, N., Tahmasbzadeh Sheikhlar, D., Adib, Y., & Imanzadeh, A. (2026). Research Synthesis and Validation of an English Language Curriculum Model Based on an Artistic Image Approach for Seventh-Grade Students. *Learning, Training, and Education in Schools in the Third Millennium*, 3(1), 1-22.

Authors' Information:

1. Niloofar Safavi: PhD Student in Curriculum Studies, Department of Education Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz Campus, Tabriz, Iran
2. Davood Tahmasbzadeh Sheikhlar*: Professor Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
3. Yousef Adib: Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran
4. Ali Imanzadeh: Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Corresponding author's email: d.tahmaseb@tabrizu.ac.ir

Abstract

This study aimed to design and validate an English language curriculum model based on an artistic image approach for seventh-grade students in lower secondary education. This applied study employed a descriptive-analytical design and a qualitative–quantitative approach. In the qualitative phase, research synthesis and document content analysis were used. A systematic search initially identified 135 scientific sources, of which 55 studies were retained for final analysis after applying the inclusion and exclusion criteria. Qualitative analysis was conducted by integrating the stages proposed by Hord and Roberts and using open and axial coding based on Akker's curriculum elements. Two independent evaluators recoded the data, yielding an inter-rater agreement of 83%. In the quantitative phase, the extracted curriculum model was presented to 10 curriculum-planning specialists, and its content validity was evaluated using the Content Validity Ratio (CVR). Validation results indicated that the CVR values for all components exceeded the minimum acceptable value of 0.56 for a panel of 10 experts. The CVR values were 0.76 for rationale, 0.78 for objectives, 0.73 for content, 0.81 for teaching and learning strategies, 0.74 for the teacher's role, 0.70 for materials and resources, 0.72 for grouping, 0.78 for learning environment, 0.74 for time, and 0.81 for assessment methods. The overall mean CVR was 0.74, confirming the content validity of the proposed curriculum model. The validated model provides a coherent framework for integrating artistic images into seventh-grade English language education. It emphasizes active and sustainable learning, application of learning to real-life contexts, creativity and critical thinking, interdisciplinary and multimedia content, performance-based activities, multimodal and interactive instruction, and comprehensive assessment. Accordingly, the model may provide a practical foundation for curriculum development, instructional content design, teacher guidance, and the creation of more engaging and meaningful English language learning experiences.

Keywords: Curriculum; English Language Education; Artistic Image Approach; Seventh Grade; Research Synthesis; Validation

مقدمه

آموزش زبان انگلیسی در نظام‌های آموزشی معاصر دیگر صرفاً به انتقال مجموعه‌ای از قواعد دستوری، واژگان و الگوهای زبانی محدود نمی‌شود، بلکه به‌عنوان فرایندی چندبعدی برای توسعه توانایی ارتباطی، سواد فرهنگی، تفکر انتقادی، خلاقیت و مشارکت فعال یادگیرندگان در موقعیت‌های واقعی تلقی می‌شود. تحولات فناوری، گسترش ارتباطات بین‌فرهنگی و تغییر انتظارات از مدرسه سبب شده است که رویکردهای سنتی آموزش زبان، که عمدتاً بر حفظ واژگان، تمرین‌های تکراری و انتقال مستقیم محتوا تأکید دارند، با چالش‌های جدی مواجه شوند. در چنین شرایطی، برنامه درسی زبان انگلیسی باید بتواند میان دانش زبانی، تجربه زیسته دانش‌آموز، علایق او و موقعیت‌های واقعی کاربرد زبان ارتباط برقرار کند. در بررسی چالش‌ها و فرصت‌های آموزش زبان انگلیسی در قرن بیست‌ویکم نیز بر ضرورت عبور از شیوه‌های یک‌سویه و حرکت به سوی یادگیری فعال، معنادار، زمینه‌محور و متناسب با نیازهای نسل جدید تأکید شده است (Janipour, 2024). از سوی دیگر، طراحی برنامه درسی زبان در بافت آموزشی ایران نیز با مسائلی مانند فاصله میان اهداف رسمی و کاربرد واقعی زبان، محدودیت فرصت‌های تعامل، نیاز به توجه بیشتر به شایستگی‌ها و ضرورت انعطاف‌پذیری برنامه درسی روبه‌رو است؛ موضوعی که در مطالعات مربوط به طراحی برنامه‌های درسی شایستگی‌محور زبان انگلیسی نیز مورد توجه قرار گرفته است (Dashtestani & Foroutanian, 2025). بنابراین، بازاندیشی در ساختار برنامه درسی زبان انگلیسی و بهره‌گیری از رویکردهای خلاقانه و چندوجهی، ضرورتی آموزشی محسوب می‌شود.

یکی از رویکردهایی که طی سال‌های اخیر در حوزه تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفته، تلفیق هنر با فرایند یاددهی - یادگیری است. یادگیری تلفیقی با هنر، هنر را نه به‌عنوان موضوعی مستقل و حاشیه‌ای، بلکه به‌مثابه بستری برای سازمان‌دهی تجربه یادگیری و فهم مفاهیم درسی در نظر می‌گیرد. مرور مطالعات مربوط به یادگیری تلفیقی با هنر نشان می‌دهد که این رویکرد می‌تواند ساختارهای متعارف آموزشی را بازآرایی کرده و زمینه مشارکت فعال‌تر، فهم عمیق‌تر، خلاقیت بیشتر و ایجاد ارتباط میان حوزه‌های مختلف دانش را فراهم سازد (Zehra & Masih, 2025). همچنین، بررسی روند توسعه کلاس‌های خلاق و یادگیری تلفیقی با هنر نشان داده است که پیوند فعالیت‌های هنری با آموزش رسمی می‌تواند از یک‌سو یادگیری را برای دانش‌آموزان جذاب‌تر سازد و از سوی دیگر، فرصت‌هایی برای تجربه، کاوش، تولید معنا و حل مسئله ایجاد کند (Prajapati & Pachauri, 2025). چنین رویکردی با تغییر نقش دانش‌آموز از دریافت‌کننده منفعل اطلاعات به مشارکت‌کننده فعال در ساخت دانش، با جهت‌گیری‌های نوین برنامه درسی همخوانی دارد.

هنرهای تجسمی، به‌ویژه تصویر، نقاشی و طراحی، ظرفیت قابل‌توجهی برای آموزش زبان دارند، زیرا زبان‌آموز را هم‌زمان با نمادهای کلامی و غیرکلامی درگیر می‌کنند. تصویر می‌تواند نقش محرک شناختی و ارتباطی را ایفا کند و به زبان‌آموز کمک کند تا مفاهیم انتزاعی، واژگان و موقعیت‌های ارتباطی را در قالبی ملموس‌تر درک کند. پژوهش درباره استفاده از نقاشی در یادگیری زبان نشان داده است که فعالیت‌های تصویری می‌توانند به تسهیل فراگیری واژگان انگلیسی کمک کرده و از طریق ایجاد ارتباط میان واژه، معنا و بازنمایی بصری، فرایند یادگیری را تقویت کنند (Assadi & Obed, 2025). همچنین، استفاده از طراحی و نقاشی در آموزش مهارت گفتاری به کودکان این امکان را می‌دهد

که از تصویر به عنوان نقطه آغاز گفتگو استفاده کنند، ایده‌های خود را سازمان دهند و با اضطراب کمتر وارد تعامل کلامی شوند (Jianggimahastu & Fahas, 2025). از این منظر، تصویر هنری فقط یک وسیله تزئینی برای کتاب یا کلاس درس نیست، بلکه می‌تواند به عنوان عنصر فعال برنامه درسی در تولید معنا، برانگیختن گفتگو و ایجاد زمینه‌های واقعی‌تر برای استفاده از زبان عمل کند.

کارکرد آموزشی تصویر زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که زبان به عنوان یک نظام چندوجهی در نظر گرفته شود. در ارتباط واقعی، معنا صرفاً از طریق واژه‌ها منتقل نمی‌شود؛ بلکه تصاویر، حالات چهره، حرکات بدن، صدا و سایر نشانه‌های غیرکلامی نیز در فهم پیام مشارکت دارند. یافته‌های مربوط به روش‌های بصری چندوجهی در آموزش زبان انگلیسی نشان داده‌اند که ترکیب عناصر دیداری و شنیداری می‌تواند درک صوتی - تصویری و ارتباط کلامی و غیرکلامی زبان‌آموزان را تقویت کند (Al-Jumaily & Alazzawi, 2025). رویکردهای مبتنی بر هنر در آموزش مکالمه نیز بر این نکته تأکید دارند که استفاده از فعالیت‌های هنری و تجربه‌های خلاق، محیطی کم‌تنش‌تر و مشارکتی‌تر برای کاربرد زبان فراهم می‌کند و فراگیران را به تولید زبان در موقعیت‌های معنادار سوق می‌دهد (Salim, 2025). افزون بر این، داستان‌گویی دیجیتال با ترکیب روایت، تصویر، صدا و ابزارهای فناوری می‌تواند شایستگی تدریس و ظرفیت تعامل در کلاس‌های زبان را توسعه دهد و نشان می‌دهد که تصویر هنری در محیط‌های آموزشی جدید قابلیت پیوند با رسانه‌های دیجیتال را نیز دارد (Subhamol & Shobhana, 2025). ادغام هنر با آموزش زبان علاوه بر پیامدهای زبانی، می‌تواند ابعاد انگیزشی و عاطفی یادگیری را نیز تحت تأثیر قرار دهد. انگیزش یکی از عوامل بنیادین در استمرار یادگیری زبان است و فقدان علاقه، اضطراب یا احساس بی‌ارتباطی محتوا با تجربه دانش‌آموز می‌تواند مشارکت او را کاهش دهد. گزارش‌های آموزشی در زمینه استفاده از فعالیت‌های هنری در تدریس زبان انگلیسی نشان می‌دهند که فعالیت‌های خلاقانه قادرند انگیزش دانش‌آموزان را افزایش داده و آنان را به مشارکت بیشتر در یادگیری تشویق کنند (Majidi, 2024). به همین ترتیب، انجام فعالیت‌های گروهی در کلاس زبان می‌تواند با فراهم کردن فرصت تعامل و همکاری، انگیزه برای یادگیری انگلیسی را افزایش دهد (Ebadian, 2023). هنر در چنین محیطی زمینه‌ای برای همکاری، تبادل دیدگاه و بیان شخصی ایجاد می‌کند و به دانش‌آموز اجازه می‌دهد از توانایی‌های متنوع خود در فرایند یادگیری استفاده کند.

مطالعات مرتبط با تأثیر هنرهای خلاق بر مشارکت و یادگیری دانش‌آموزان نیز نشان داده‌اند که فعالیت هنری می‌تواند علاقه به تکالیف آموزشی، مشارکت در کلاس و ارتباط عاطفی با فرایند یادگیری را تقویت کند (Kakungulu Samuel, 2024). همچنین، پژوهش‌های مربوط به تأثیر آموزش هنر بر مشارکت مدرسه‌ای و ادراک دانش‌آموزان از فضای مدرسه نشان می‌دهند که تجربه هنری تنها به کسب مهارت هنری محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند با کیفیت تجربه مدرسه و میزان درگیری تحصیلی مرتبط باشد (Bowen & Kisida, 2024). اثربخشی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر هنر در بهبود ادراک دانش‌آموزان از محیط مدرسه نیز مورد توجه قرار گرفته است (Alizadeh, 2024). از این رو، کاربرد تصویر هنری در برنامه درسی زبان انگلیسی را می‌توان نه فقط به عنوان یک تکنیک آموزشی، بلکه به عنوان ابزاری برای ساخت محیطی حمایتگر، جذاب و انگیزاننده در نظر گرفت.

تلفیق هنر در آموزش می‌تواند در توسعه ابعاد شناختی یادگیری نیز مؤثر باشد. در محیط‌های هنربنیان، دانش‌آموزان با مشاهده، مقایسه، تفسیر، تخیل، انتخاب و تولید مواجه می‌شوند و این فرایندها زمینه پرورش تفکر خلاق و انتقادی را فراهم می‌کنند. بررسی تلفیق هنر در دوره ابتدایی نشان داده است که این رویکرد می‌تواند مشارکت، خلاقیت و کیفیت تجربه یادگیری را ارتقا دهد (Velayutham, 2024). همچنین، پژوهش‌های تجربی در زمینه ادغام هنر با یادگیری موضوعات علمی نشان داده‌اند که تلفیق فعالیت‌های هنری با آموزش می‌تواند همزمان با پیشرفت تحصیلی، میزان درگیری و مشارکت دانش‌آموزان را نیز تحت تأثیر قرار دهد (DuPre, 2025). ادغام موسیقی، نمایش و هنرهای تجسمی در برنامه‌های آموزشی نیز از منظر رشد روان‌شناختی و توسعه توانمندی‌های کودکان دارای اهمیت است و می‌تواند تجربه‌ای جامع‌تر از یادگیری ایجاد کند (Brovchak et al., 2024). بنابراین، برنامه درسی مبتنی بر تصویر هنری ظرفیت آن را دارد که یادگیری زبان را از سطح کسب دانش زبانی به سطحی گسترده‌تر از رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی ارتقا دهد.

یکی دیگر از قابلیت‌های مهم تلفیق هنر و زبان، کمک به توسعه شایستگی فرهنگی و بین‌رشته‌ای است. زبان، حامل فرهنگ است و آموزش مؤثر آن مستلزم توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی‌ای است که معنا در آنها شکل می‌گیرد. پژوهش در زمینه تلفیق هنر با آموزش نشان داده است که فعالیت‌های هنری می‌توانند فرصت‌هایی برای مواجهه با دیدگاه‌های فرهنگی مختلف، تفسیر نمادها و توسعه شایستگی فرهنگی فراهم آورند (Liu, 2022). در سطح برنامه درسی نیز طراحی الگوی هنر با رویکرد چندفرهنگی می‌تواند موجب توجه نظام‌مند به تنوع فرهنگی و گسترش تجربه یادگیری فراتر از چارچوب‌های تک‌بعدی شود (Sadr et al., 2022). این ظرفیت برای آموزش زبان انگلیسی از اهمیت مضاعفی برخوردار است، زیرا معلم زبان می‌تواند موضوعات بین‌رشته‌ای مانند محیط زیست، صلح و حقوق بشر را با آموزش مهارت‌های زبانی تلفیق کند و از این طریق، یادگیری زبان را با مسائل واقعی و اجتماعی پیوند دهد (Sadeghi Karchaei, 2025).

مطالعه تأثیر آموزش تلفیقی زبان و هنرهای تجسمی بر زبان‌آموزان اقلیت‌های قومی نیز نشان داده است که پیوند زبان و هنر می‌تواند عملکرد یادگیری و رضایت زبان‌آموزان را بهبود بخشد و از طریق فراهم کردن مسیرهای متنوع بازنمایی، مشارکت گروه‌هایی با پیشینه‌های متفاوت را تسهیل کند (Zhang & Jia, 2022). این یافته اهمیت انعطاف‌پذیری برنامه درسی را برجسته می‌سازد؛ زیرا دانش‌آموزان از نظر سبک‌های یادگیری، علایق، توانایی‌های شناختی و پیشینه‌های فرهنگی یکسان نیستند. رویکرد هنری با فراهم کردن امکان مشاهده، ساختن، ترسیم کردن، روایت کردن و مشارکت در فعالیت‌های عملی می‌تواند پاسخ‌های متنوع‌تری به نیازهای یادگیری ارائه دهد. این مسئله به‌ویژه در پایه هفتم، که دانش‌آموزان در حال ورود به مرحله جدیدی از آموزش رسمی زبان انگلیسی هستند، اهمیت دارد؛ زیرا تجربه اولیه آنها از درس زبان می‌تواند در شکل‌گیری نگرش، انگیزه و استمرار یادگیری در سال‌های بعد نقش داشته باشد.

در نظام برنامه درسی، بهره‌گیری از تصویر هنری نیازمند نگاه ساختاری است و نمی‌توان آن را صرفاً به افزودن چند تصویر یا فعالیت هنری پراکنده به کتاب درسی تقلیل داد. کیفیت خود تصاویر، رابطه آنها با محتوای زبانی و ظرفیت آنها برای تقویت یا تضعیف معنا باید مورد توجه قرار گیرد. تحلیل نشانه‌شناختی تصاویر کتاب‌های زبان انگلیسی نشان داده است که تصاویر می‌توانند در فرآیند تولید و تقویت معنا نقش داشته باشند و رابطه متن و تصویر در طراحی منابع آموزشی اهمیت اساسی دارد (Nasrin Tanhayee Ahari et al., 2023). مطالعه دیگری از

همین حوزه نیز بر نقش ساختارهای گفتمانی - معنایی تصاویر کتاب‌های انگلیسی در تقویت یا تضعیف پیام‌های آموزشی تأکید کرده است (N. Tanhayee Ahari et al., 2023). علاوه بر این، تحلیل کیفی ویژگی‌های بصری کتاب انگلیسی پایه هفتم نشان می‌دهد که بررسی تصاویر از منظر آموزشی، زیبایی‌شناختی و ارتباط آنها با محتوا برای ارزیابی کیفیت منابع درسی ضروری است (Rahiminejad et al., 2023). از این رو، «تصویر هنری» در برنامه درسی باید به‌عنوان عنصری هدفمند، معناآفرین و هماهنگ با سایر اجزای برنامه تلقی شود.

رویکرد هنری همچنین با مفهوم تربیت زیبایی‌شناختی پیوند نزدیکی دارد. تربیت زیبایی‌شناختی فراتر از آموزش تکنیک‌های هنری است و با پرورش حساسیت ادراکی، توانایی مشاهده، درک زیبایی، تجربه عاطفی و تفسیر پدیده‌ها ارتباط دارد. مطالعات انجام‌شده درباره درک معلمان از تربیت زیبایی‌شناختی و هنری نشان می‌دهد که هنر می‌تواند بخشی از تجربه جامع تربیتی باشد و در رشد ادراک، تخیل و کیفیت ارتباط دانش‌آموز با محیط یادگیری نقش ایفا کند (Sarvani Moghadam et al., 2023). بر این اساس، استفاده از تصاویر هنری در آموزش زبان انگلیسی می‌تواند هم‌زمان دو هدف را دنبال کند: نخست، تسهیل یادگیری زبان و دوم، ایجاد فرصت برای ادراک و بیان زیبایی‌شناختی. در این چارچوب، دانش‌آموز نه فقط معنای واژه یا جمله را می‌آموزد، بلکه درباره تصویر مشاهده‌شده فکر می‌کند، احساسات خود را بیان می‌کند، تفسیر ارائه می‌دهد و معنا را در تعامل با دیگران می‌سازد.

در کنار هنر، فناوری نیز ظرفیت‌های تازه‌ای برای توسعه آموزش زبان فراهم کرده است. ابزارهای دیجیتال به معلمان اجازه می‌دهند که از تصاویر، ویدئوها، انیمیشن‌ها و محیط‌های تعاملی به شیوه‌ای گسترده‌تر استفاده کنند. بررسی دیدگاه معلمان زبان انگلیسی درباره ابزارهای دیجیتال نشان داده است که فناوری می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای تنوع‌بخشی به تدریس، افزایش تعامل و دسترسی به منابع چندرسانه‌ای ایجاد کند، هرچند اجرای مؤثر آن به آمادگی معلمان و شرایط محیط آموزشی وابسته است (Sim & Ismail, 2023). از این منظر، برنامه درسی مبتنی بر تصویر هنری می‌تواند با فناوری‌های آموزشی ترکیب شود و اشکال مختلف هنر سنتی و دیجیتال را در خدمت یادگیری زبان قرار دهد. چنین رویکردی امکان طراحی فعالیت‌هایی مانند روایت تصویری، تولید داستان دیجیتال، تحلیل تصاویر، طراحی پوستر و ارائه چندرسانه‌ای را فراهم می‌سازد و دانش‌آموز را از مصرف‌کننده محتوا به تولیدکننده معنا تبدیل می‌کند.

با وجود اهمیت فناوری و منابع آموزشی، نقش معلم همچنان در اجرای موفق برنامه درسی محوری است. معلم واسطه میان برنامه درسی رسمی و تجربه واقعی دانش‌آموز در کلاس است و نحوه تفسیر و اجرای برنامه می‌تواند کیفیت پیامدهای یادگیری را تعیین کند. در بازطراحی برنامه‌های درسی مدرسه‌ای نیز جایگاه معلم به‌عنوان عامل اجرایی و حرفه‌ای در تحقق اهداف برنامه مورد تأکید قرار گرفته است (Walsh, 2023). بررسی نقش‌های مختلف معلم در چارچوب‌های برنامه درسی نشان می‌دهد که او تنها انتقال‌دهنده محتوا نیست، بلکه می‌تواند تسهیل‌گر، طراح محیط یادگیری، انتخاب‌کننده منابع و ارزیاب فرایند یادگیری باشد (Mukhter et al., 2022). در برنامه درسی زبان انگلیسی مبتنی بر تصویر هنری، این نقش‌ها اهمیت بیشتری می‌یابند؛ زیرا معلم باید بتواند تصاویر و فعالیت‌های هنری مناسب را انتخاب کند، آنها را با اهداف زبانی همسو سازد، تعامل و بحث ایجاد کند و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را در طراحی فعالیت‌ها در نظر گیرد.

اجرای موفق رویکرد هنری همچنین مستلزم توجه به پیوستگی و انسجام میان عناصر مختلف برنامه درسی است. یک برنامه درسی اثربخش باید از نظر اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، نقش معلم، مواد و منابع، محیط، زمان، گروه‌بندی و ارزشیابی از هماهنگی برخوردار باشد. بررسی چارچوب‌های آموزشی نشان می‌دهد که اثربخشی یک برنامه را نمی‌توان صرفاً با توجه به یک مؤلفه ارزشیابی کرد و رابطه منسجم میان اجزای طراحی و اجرا اهمیت دارد (Mousapour, 2022). همچنین، مطالعات مرتبط با ارزشیابی برنامه‌های آموزشی بر ضرورت استفاده از چارچوب‌های منظم و چندبعدی برای سنجش تناسب عناصر برنامه و پیامدهای آن تأکید کرده‌اند (Mukhter et al., 2022). در حوزه تلفیق هنر نیز مطالعات مربوط به چارچوب مدارس هنرمحور نشان داده‌اند که وفاداری به اصول و اجزای چارچوب در اجرای رویکردهای تلفیقی اهمیت دارد و استفاده پراکنده از فعالیت‌های هنری نمی‌تواند جایگزین یک طراحی منسجم برنامه درسی شود (Wheeler, 2022).

از سوی دیگر، برنامه درسی مدرسه باید رشد مهارت‌هایی را دنبال کند که دانش‌آموز بتواند آنها را فراتر از کلاس درس در زندگی واقعی به کار گیرد. آموزش مهارت‌های زندگی از جمله مهارت‌های ارتباطی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، خودآگاهی و همکاری، یکی از کارکردهای مهم برنامه درسی معاصر به شمار می‌آید (Pourgolou, 2024). رویکرد تصویر هنری می‌تواند با ایجاد موقعیت‌های گروهی، فعالیت‌های عملی، روایت و تولید آثار، بستری برای تمرین بسیاری از این مهارت‌ها ایجاد کند. این ویژگی با ماهیت کاربردی آموزش زبان نیز هماهنگ است؛ زیرا هدف نهایی آموزش زبان توانایی استفاده از آن در موقعیت‌های ارتباطی است، نه صرفاً دانستن قواعد آن. در نتیجه، تلفیق هنر می‌تواند میان یادگیری زبان، مهارت‌های زندگی و تجربه واقعی دانش‌آموز پیوند برقرار سازد.

با وجود شواهد رو به گسترش در حمایت از استفاده از هنر در آموزش، بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها یا بر اثرگذاری یک فعالیت هنری خاص متمرکز بوده‌اند، یا پیامدهایی مانند انگیزش، مشارکت، پیشرفت تحصیلی و شایستگی فرهنگی را به صورت جداگانه بررسی کرده‌اند. در حالی که مطالعات جدید بر ظرفیت آموزش هنربنیان برای یادگیری مکالمه (Salim, 2025)، کسب واژگان (Assadi & Obed, 2025)، تقویت ارتباط چندوجهی (Al-Jumaily & Alazzawi, 2025) و مشارکت تحصیلی (DuPre, 2025) دلالت دارند، برای کاربرد پایدار این یافته‌ها در نظام آموزشی، وجود یک الگوی برنامه درسی جامع ضروری است. چنین الگویی باید مشخص سازد که منطق استفاده از تصویر هنری چیست، چه اهدافی دنبال می‌شود، چه نوع محتوایی مناسب است، فعالیت‌های یادگیری چگونه طراحی می‌شوند، نقش معلم چیست، از چه مواد و منابعی استفاده می‌شود و محیط، زمان، گروه‌بندی و ارزشیابی چگونه باید سازمان یابند. به‌ویژه در پایه هفتم متوسطه اول، که آغاز آموزش رسمی و جدی‌تر زبان انگلیسی برای بسیاری از دانش‌آموزان است، نبود چارچوبی منسجم می‌تواند سبب شود استفاده از هنر به فعالیت‌هایی مقطعی، سلیقه‌ای و فاقد پیوند نظام‌مند با اهداف برنامه درسی محدود شود. بر همین اساس، توجه همزمان به شواهد مربوط به مزایای تلفیق هنر، ویژگی‌های منابع تصویری موجود، نقش معلم، فناوری آموزشی و اصول طراحی و ارزشیابی برنامه درسی می‌تواند زمینه تدوین الگویی منسجم و قابل اعتبارسنجی را فراهم سازد.

بنابراین، هدف پژوهش حاضر سنتز پژوهی، طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی آموزش زبان انگلیسی با رویکرد تصویر هنری در پایه هفتم دوره اول متوسطه است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی - تحلیلی و از نظر رویکرد کیفی - کمی است و در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار دارد. در فرآیند گردآوری داده‌ها از پرسشنامه و تحلیل کیفی استفاده شده است. پژوهش به صورت تلفیقی و از نوع تحلیل محتوای اسنادی انجام گرفته است. در بخش کیفی جهت ایجاد الگوی برنامه‌درسی زبان انگلیسی پایه هفتم با رویکرد تصویر هنری، ابتدا داده‌ها از مقالات، کتب و اسناد مرتبط با موضوع و با بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاعاتی و مراکز نگهداری منابع مکتوب، گردآوری شده‌اند. سپس بر اساس مراحل سنتزپژوهی با مطالعه مبانی نظری و تجارب کشورها منطق و ساختار الگوی برنامه‌درسی زبان انگلیسی پایه هفتم با رویکرد تصویر هنری کشف و شناسایی شده است. سپس نسبت به تعیین ویژگی‌های عناصر، اقدام و الگوی پیشنهادی در یک فرایند تحلیل و ترکیب در قالب جداول از اطلاعات و ویژگی‌های عناصر برنامه‌درسی ارائه شده است. سپس در بخش کمی برای اعتبارسنجی الگوی پیشنهاد شده، الگو پیشنهادی به ده نفر از متخصصان برنامه‌ریزی درسی ارائه شده و نظرات آن‌ها به وسیله پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این پژوهش در بخش کیفی شامل تمامی منابع علمی معتبر در زمینه الگوی برنامه درسی آموزش زبان انگلیسی با رویکرد تصویر هنری است که با جستجوی منظم در پایگاه‌های اطلاعاتی بر اساس معیارهای ورود منابع علمی شناسایی و در نهایت بر اساس معیارهای خروج منابع نهائی برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. در بخش کمی نیز جامعه آماری شامل متخصصان حوزه برنامه‌ریزی درسی می‌باشد. در مرحله اول پژوهش، جهت ایجاد الگو از رویکرد کیفی و تحلیل محتوای اسنادی استفاده شده است. تحلیل کیفی در پژوهش حاضر با ترکیب مراحل و فعالیت‌های تعاملی پیشنهادی هورد و رابرتس (۱۹۸۳) طی ۱۰ مرحله غیرنظامند صورت گرفته است. مطالعه حاضر از نوع استقرایی بوده و کدهای محوری بر اساس عناصر برنامه‌درسی اکر است. پس از بررسی و مطالعه محتوای اسناد منتخب و با در نظر گرفتن عناصر برنامه‌درسی، مفاهیم مورد نظر با روش کدگذاری باز استخراج گردید و سپس مفاهیم دارای اشتراک معانی کنار هم قرار گرفت. جهت اطمینان از نحوه کدگذاری از دو نفر ارزشیاب برای کدگذاری مجدد استفاده شد و برای تایید پایایی از فرمول ضریب کاپای کوهن استفاده شد که در این پژوهش میزان توافق بین ارزشیابان ۸۳٪ به دست آمد که نشانگر ۸۳ درصد توافق بین آن‌ها در کدگذاری بود. جهت اعتبارسنجی یا تعیین اعتبار برنامه‌درسی طراحی شده، چارچوب مفهومی الگوی استخراج شده از مرحله اول به عنوان یک الگوی پیشنهادی به متخصصان برنامه‌درسی ارائه شده و نظرات آن‌ها به پرسشنامه جمع‌آوری و نتایج آن بر اساس روش کمی تحلیل شده و الگوی مورد نظر اعتبارسنجی و تکمیل شده است.

یافته‌ها

در این بخش برای شناسایی و استخراج الگوی برنامه‌درسی زبان انگلیسی پایه هفتم با رویکرد تصویر هنری از یافته‌های ۵۵ پژوهش علمی استفاده شده است که ویژگی‌های آن‌ها شامل کد پژوهش، پژوهشگران، هدف پژوهش و سال انتشار پژوهش‌ها در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: اسناد منتخب نهایی برای تحلیل نهایی (سنترز)

کد	نوع سند	نویسنده و سال انتشار	هدف
۱	مقاله	مونتاین (۲۰۱۹)	تأثیر آموزش تلفیقی هنر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در زبان انگلیسی
۲	مقاله	زهره و مسیح (۲۰۲۵)	بررسی جامع یادگیری تلفیقی هنر
۳	رساله	هارلوف (۲۰۱۱)	بررسی تأثیر آموزش تلفیقی هنر بر پیشرفت تحصیلی در زبان انگلیسی
۴	مقاله	میلر و بوگاتووا (۲۰۱۸)	بررسی تأثیر برنامه تلفیق هنر بر درس‌های آموخته‌شده
۵	مقاله	اسدی و اوبد (۲۰۲۵)	تقویت فراگیری واژگان انگلیسی
۶	مقاله	سوریانی و همکاران (۲۰۱۶)	استفاده از فعالیت‌های نقاشی برای تقویت مهارت‌های گفتاری
۷	مقاله	البوسعیدی و همکاران (۲۰۲۲)	رویکردی مبتنی بر هنر برای آموزش مهارت‌های گفتاری زبان انگلیسی
۸	مقاله	پونزالان (۲۰۱۸)	بررسی تأثیر هنرهای تجسمی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان
۹	مقاله	بوون و کیسیدا (۲۰۲۴)	بررسی اثرات آموزش هنر بر مشارکت در مدرسه
۱۰	مقاله	پپلر و همکاران (۲۰۱۴)	تأثیر مثبت ادغام هنر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در زبان انگلیسی
۱۱	مقاله	پراجاپاتی و پاچاوری (۲۰۲۵)	استفاده از هنر برای ایجاد کلاس‌های درس خلاق
۱۲	مقاله	برووچاک و همکاران (۲۰۲۴)	ادغام موسیقی، نمایش و هنرهای تجسمی در برنامه‌های فوق برنامه
۱۳	مقاله	ویلر (۲۰۲۲)	ادغام هنر در استانداردهای برنامه های درسی
۱۴	مقاله	باسو (۲۰۲۰)	اثربخشی آموزش تلفیقی هنر در توسعه درک مفهومی
۱۵	مقاله	مونتاین (۲۰۱۹) b	تأثیر تلفیق هنر بر پیشرفت تحصیلی
۱۶	مقاله	سلیم (۲۰۲۵)	آموزش مبتنی بر هنر در تدریس مکالمه
۱۷	مقاله	کاکونگولو (۲۰۲۴)	تأثیر هنرهای خلاق بر مشارکت و یادگیری دانش‌آموزان
۱۸	مقاله	الجمیلی و العزازی (۲۰۲۵)	تأثیر روش‌های بصری چندوجهی بر درک شنیداری و دیداری
۱۹	مقاله	ولایوتهام (۲۰۲۴)	تأثیر تلفیق هنر در آموزش ابتدایی
۲۰	مقاله	جواهری پور و همکاران (۲۰۲۱)	مطالعه تطبیقی برنامه درسی هنرهای تجسمی دوره ابتدایی
۲۱	مقاله	گودی (۲۰۱۳)	سبک‌های هنری جدید مدرسه‌ای: پروژه آموزش هنر
۲۲	مقاله	مور و شلیگرول (۲۰۱۴)	استفاده از یک فرازبان زبان‌شناسی کاربردی
۲۳	پایان نامه	رنیش (۲۰۱۶)	آموزش هنر، سوادآموزی و زبان‌آموزان انگلیسی
۲۴	پایان نامه	اوپنگ (۲۰۱۱)	هنر و آموزش استرالیا: تحقق پتانسیل‌ها
۲۵	پایان نامه	دالینگر (۲۰۱۶)	ادغام هنر در برنامه درسی زبان انگلیسی
۲۶	پایان نامه	ریچاردسون (۲۰۱۶)	موفقیت در آموزش ویژه از طریق هنر
۲۷	پایان نامه	زندو (۲۰۲۰)	تلفیق هنر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان
۲۸	پایان نامه	فراگاکیس (۲۰۱۹)	ادراک‌شده‌ی برنامه‌ی درسی تلفیقی با هنر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان
۲۹	پایان نامه	لیو (۲۰۲۲)	تلفیق هنر با شایستگی فرهنگی
۳۰	رساله	پاناگوپولوس (۲۰۱۵)	پر کردن شکاف موفقیت از طریق تلفیق هنر
۳۱	رساله	دوپری (۲۰۲۵)	ارزیابی تأثیر تلفیق هنر بر پیشرفت و مشارکت علمی
۳۲	رساله	بادگر (۲۰۱۹)	برداشت معلمان از تلفیق هنر در مدارس ابتدایی
۳۳	رساله	روزاریورگان (۲۰۱۸)	مطالعه موردی برای تعریف گسترده‌تر از تلفیق هنر در روش‌های آموزشی
۳۴		برانتز (۲۰۲۲)	چگونگی تکمیل برنامه درسی مصوب توسط معلمان زبان انگلیسی
۳۵	مقاله	نوروزی و همکاران (۱۳۹۲)	ارزشیابی و سنجش محتوای کتاب زبان سوم دبیرستان از منظر معلمان
۳۶	مقاله	ایرانمهر و داوری (۱۳۹۶)	جریان شناسی تهیه و تدوین کتاب های زبان انگلیسی
۳۷	مقاله	رشیدی و بهرامی (۱۳۹۱)	ارزیابی تحلیلی کتاب زبان انگلیسی عمومی
۳۸	مقاله	حمدی و همکاران (۱۴۰۱)	تحلیل محتوای اسناد بالادستی بر اساس مؤلفه‌های مطلوب آموزش زبان
۳۹	مقاله	حمدی و همکاران (۱۴۰۱)	تحلیل محتوای کتاب های درسی زبان انگلیسی دوره اول و دوم دبیرستان
۴۰	مقاله	تنهایی اهری و همکاران (۱۴۰۲)	بررسی تقویت و تضعیف معنا در تصاویر کتاب های زبان انگلیسی
۴۱	مقاله	جانفشان (۱۳۹۷)	ارزیابی کتاب انگلیسی پایه اول متوسطه

۴۲	مقاله	فسنقری و عادل (۱۳۹۷)	بررسی مقایسه ای آسیب ها و مشکلات تدریس و یادگیری درس زبان انگلیسی
۴۳	مقاله	صادقی و آرام (۱۳۹۸)	تحلیل تطبیقی کتاب درس زبان انگلیسی پایه دهم
۴۴	مقاله	علی پور و همکاران (۱۳۹۵)	آسیب شناسی و واکاوی کیفی یادگیری زبان انگلیسی در برنامه
۴۵	مقاله	عابدینی بلترک و رضایی زارچی (۱۴۰۰)	بررسی تأثیر آموزش هنر با رویکرد تربیت هنری
۴۶	مقاله	محمودی و مرادی (۱۳۹۴)	بررسی و نقد کیفی کتاب زبان انگلیسی پایه اول دوره اول متوسطه
۴۷	مقاله	علوی نیا و زین العابدینی (۱۳۹۴)	بررسی و نقد کتاب زبان انگلیسی پایه اول دوره اول متوسطه (هفتم)
۴۸	مقاله	زندمقدم و رحیمی گل خندان (۱۳۹۴)	بررسی و نقد کتاب زبان انگلیسی پایه هفتم از دیدگاه طرح درس فعالیت محور
۴۹	مقاله	دهقان (۱۳۹۹)	تحلیل محتوای دروس منتخب کتاب های زبان انگلیسی دوره ی متوسطه اول
۵۰	مقاله	پیش قدم و رستمی (۱۳۹۴)	بررسی و نقد کتاب انگلیسی پایه هفتم
۵۱	مقاله	حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۸)	ارزیابی و تحلیل محتوای کتب زبان انگلیسی دوره راهنمایی تحصیلی
۵۲	مقاله	انتظامی و همکاران (۱۳۹۴)	بررسی عملکرد برنامه درسی مبتنی بر تربیت هنری
۵۳	مقاله	سروانی مقدم و همکاران (۱۴۰۲)	فهم تربیت زیبایی شناختی و هنری
۵۴	مقاله	رحیمی نژاد و همکاران (۱۴۰۲)	تحلیل محتوای کیفی جلوه های بصری کتاب درسی پایه هفتم انگلیسی
۵۵	مقاله	زیباکلام و همکاران (۱۳۹۵)	تبیین نقش و جایگاه زیبایی شناسی و هنر در تعلیم و تربیت اسلامی

بر اساس یافته های پژوهش های منتخب، تمامی مؤلفه ها با استفاده از کدگذاری باز استخراج شده و بر اساس مفاهیم مشترک دسته بندی شدند. بر اساس فرایند کدگذاری، ویژگی های الگوی برنامه درسی زبان انگلیسی پایه هفتم با رویکرد تصویر هنری بر اساس عناصر برنامه درسی اگر و با توجه به کد هر پژوهش، در جدول ۲ آورده شده و در نهایت یک چارچوب کلی و جامع بر اساس یافته ها ترسیم شده است.

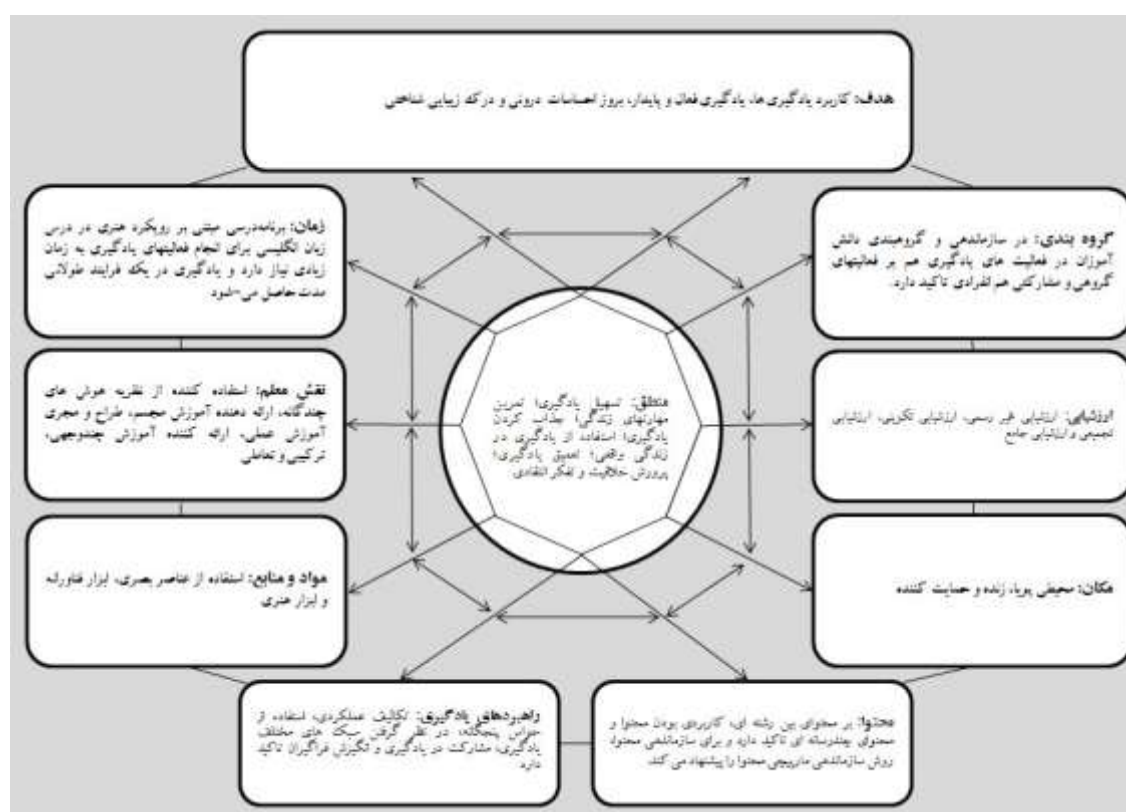
جدول ۲: ویژگی عناصر الگوی برنامه درسی زبان انگلیسی پایه هفتم با رویکرد تصویر هنری بر اساس مؤلفه های

برنامه درسی اگر

عنصر	ویژگی ها
منطق	تسهیل یادگیری: (مونتاین، ۲۰۱۹؛ مونتاین، ۲۰۱۹)؛ تمرین مهارت های زندگی (پونزالان، ۲۰۱۸؛ پیپر و همکاران، ۲۰۱۴؛ پراجاپاتی و پاچاوری، ۲۰۲۵؛ بروچاک و همکاران، ۲۰۲۴؛ باسو، ۲۰۲۰؛ مونتاین (۲۰۱۹)؛ الجمیلی و العزازی، ۲۰۲۵)؛ پرورش خلاقیت و تفکر انتقادی (پونزالان، ۲۰۱۸؛ بوون و کیسیدا، ۲۰۲۴؛ باسو، ۲۰۲۰؛ ولایوتهام، ۲۰۲۴؛ پاناگوپولوس، ۲۰۱۵)؛ استفاده از یادگیری در زندگی واقعی (پیپر و همکاران، ۲۰۱۴؛ پراجاپاتی و پاچاوری، ۲۰۲۵؛ بروچاک و همکاران، ۲۰۲۴؛ باسو، ۲۰۲۰؛ مونتاین، ۲۰۱۹؛ سلیم، ۲۰۲۵؛ کاکونگولو، ۲۰۲۴؛ روزاریورگان، ۲۰۱۸؛ بادگر، ۲۰۱۹)؛ تعمیق یادگیری (پراجاپاتی و پاچاوری، ۲۰۲۵؛ بروچاک و همکاران، ۲۰۲۴؛ باسو، ۲۰۲۰؛ مونتاین، ۲۰۱۹؛ د۲۰۱۹؛ روزاریورگان، ۲۰۱۸)؛ پاناگوپولوس، ۲۰۱۵)؛ کاکونگولو، ۲۰۲۴؛ الجمیلی و العزازی، ۲۰۲۵)؛ جذاب کردن یادگیری (لیو، ۲۰۲۲؛ ولایوتهام، ۲۰۲۴؛ دوپری، ۲۰۲۵؛ پاناگوپولوس، ۲۰۱۵؛ پاناگوپولوس، ۲۰۱۵)
هدف	کاربرد یادگیری ها (مونتاین، ۲۰۱۹؛ ولایوتهام، ۲۰۲۴؛ جواهری پور و همکاران، ۲۰۲۱؛ روزاریورگان، ۲۰۱۸)؛ یادگیری فعال و پایدار (ولایوتهام، ۲۰۲۴؛ بوون و کیسیدا، ۲۰۲۴)؛ بروز احساسات درونی (ولایوتهام، ۲۰۲۴؛ روزاریورگان، ۲۰۱۸)؛ درک زیبایی شناختی (جواهری پور و همکاران، ۲۰۲۱؛ دوپری، ۲۰۲۵؛ ولایوتهام، ۲۰۲۴)
محتوا	بین رشته ای (بروچاک و همکاران، ۲۰۲۴؛ زندو، ۲۰۲۰)؛ کاربردی بودن محتوا (هارلوف، ۲۰۱۱؛ اسدی و اوید، ۲۰۲۵)؛ محتوای چندرسانه ای: پونزالان، ۲۰۱۸؛ پراجاپاتی و پاچاوری، ۲۰۲۵؛ ولایوتهام، ۲۰۲۴؛ جواهری پور و همکاران، ۲۰۲۱)؛ سازماندهی مارپیچی (مونتاین، ۲۰۱۹؛ بروچاک و همکاران، ۲۰۲۴؛ زهرا و مسیح، ۲۰۲۵؛ هارلوف، ۲۰۱۱؛ روزاریورگان، ۲۰۱۸؛ مور و شلیپگرل، ۲۰۱۴؛ بادگر، ۲۰۱۹).
راهنمادهای یادگیری	تکالیف عملکردی (مونتاین، ۲۰۱۹؛ زهرا و مسیح، ۲۰۲۵؛ سورینی و همکاران، ۲۰۱۶؛ پیپر و همکاران، ۲۰۱۴)؛ استفاده از حواس پنجگانه (زهرا و مسیح، ۲۰۲۵)؛ اسدی و اوید، ۲۰۲۵؛ سورینی و همکاران، ۲۰۱۶؛ پراجاپاتی و پاچاوری، ۲۰۲۵)؛ در نظر گرفتن سبک های مختلف یادگیری (هارلوف، ۲۰۱۱؛ پیپر و همکاران، ۲۰۱۴؛ بروچاک و همکاران، ۲۰۲۴؛ سلیم، ۲۰۲۵؛ جواهری پور و همکاران، ۲۰۲۱)؛ انگیزش فراگیران (پونزالان، ۲۰۱۸؛ پراجاپاتی و پاچاوری، ۲۰۲۵؛ فراگاکیس، ۲۰۱۹)؛ مشارکت در یادگیری (بوون و کیسیدا، ۲۰۲۴؛ پیپر و همکاران، ۲۰۱۴؛ پراجاپاتی و پاچاوری، ۲۰۲۵؛ روزاریورگان، ۲۰۱۸؛ مور و شلیپگرل، ۲۰۱۴)
نقش معلم	استفاده از نظریه هوش های چندگانه (هارلوف، ۲۰۱۱؛ مونتاین، ۲۰۱۹؛ الف-آموزش مجسم (زهرا و مسیح، ۲۰۲۵؛ هارلوف، ۲۰۱۱؛ اسدی و اوید، ۲۰۲۵؛ پراجاپاتی و پاچاوری، ۲۰۲۵؛ سلیم، ۲۰۲۵)؛ آموزش عملی (زهرا و مسیح، ۲۰۲۵؛ سورینی و همکاران، ۲۰۱۶؛ پونزالان، ۲۰۱۸؛ اسدی و اوید، ۲۰۲۵)؛ آموزش

چندوجهی (مونتاین، ۲۰۱۹؛ سلیم، ۲۰۲۵؛ الجمیلی و العزازی، ۲۰۲۵؛ رنیش، ۲۰۱۶؛ باسو، ۲۰۲۰؛ اوینگ، ۲۰۱۱؛ دالینگر، ۲۰۱۶؛ دوپری، ۲۰۲۵- آموزش ترکیبی (اوینگ، ۲۰۱۱؛ الجمیلی و العزازی، ۲۰۲۵)- آموزش تعاملی (پونزالان، ۲۰۱۸؛ باسو، ۲۰۲۰؛ روزاریورگان، ۲۰۱۸؛ الجمیلی و العزازی، ۲۰۲۵)	
مواد و منابع	عناصر بصری اسدی و اوبد، ۲۰۲۵؛ پونزالان، ۲۰۱۸؛ سلیم، ۲۰۲۵- ابزار فناورانه (اسدی و اوبد، ۲۰۲۵؛ پونزالان، ۲۰۱۸؛ الجمیلی و العزازی، ۲۰۲۵)- ابزار هنری (اسدی و اوبد، ۲۰۲۵؛ برووچاک و همکاران، ۲۰۲۴؛ سلیم، ۲۰۲۵؛ الجمیلی و العزازی، ۲۰۲۵)؛ ولایوتهام، ۲۰۲۴؛ جواهری پور و همکاران، ۲۰۲۱)
گروه‌بندی	انفرادی (پونزالان، ۲۰۱۸؛ بوون و کیسیدا، ۲۰۲۴)- گروهی و مشارکتی (بوون و کیسیدا، ۲۰۲۴؛ برووچاک و همکاران، ۲۰۲۴)
زمان	زمان زیاد (زهره و مسیح، ۲۰۲۵؛ جواهری پور و همکاران، ۲۰۲۱؛ ریچاردسون، ۲۰۱۶؛ روزاریورگان، ۲۰۱۸)
مکان	پویا و حمایتی (زهره و مسیح، ۲۰۲۵؛ اسدی و اوبد، ۲۰۲۵؛ برووچاک و همکاران، ۲۰۲۴؛ جواهری پور و همکاران، ۲۰۲۱)
ارزشیابی	ارزشیابی تجمیعی (مونتاین، ۲۰۱۹؛ الف؛ میلر و بوگاتووا، ۲۰۱۸)- ارزشیابی تکوینی (اسدی و اوبد، ۲۰۲۵؛ جواهری پور و همکاران، ۲۰۲۱)- ارزشیابی غیر رسمی (استیوون و کیسیدا، ۲۰۲۴؛ برووچاک و همکاران، ۲۰۲۴؛ باسو، ۲۰۲۰)- ارزشیابی جامع (باسو، ۲۰۲۰؛ سلیم، ۲۰۲۵؛ کاکونگولو، ۲۰۲۴؛ دوپری، ۲۰۲۵)

با توجه به نتایج به دست آمده از سنتز پژوهی و کدگذاری باز و محوری، الگوی برنامه‌درسی بر اساس رویکرد تصویر هنری در درس زبان انگلیسی در شکل ۱ آورده شده است:



شکل ۱: طرح شماتیک الگوی پیشنهادی برنامه‌درسی بر اساس رویکرد تصویر هنری در درس زبان انگلیسی

طبق منطق برنامه‌درسی بر اساس رویکرد تصویر هنری در درس زبان انگلیسی، دلایل به کارگیری این برنامه‌درسی تسهیل یادگیری، تمرین مهارت‌های زندگی، پرورش خلاقیت و تفکر انتقادی، استفاده از یادگیری‌ها در زندگی واقعی، تعمیق یادگیری و جذاب کردن فرایند یادگیری است. در این راستا هدف در این رویکرد برنامه درسی کاربرد یادگیری‌ها، یادگیری فعال و پایدار، فراهم‌سازی بروز احساسات درونی و درک ابعاد زیبایی‌شناختی است. با توجه این اهداف در بخش محتوا، برنامه‌درسی بر اساس رویکرد تصویر هنری در درس زبان انگلیسی باید بین رشته‌ای و با قابلیت کاربرد در زندگی واقعی فراگیران بوده و در قالب ابزارها و کانال‌های مختلف و چندرسانه‌ای و به شیوه ماریچی سازماندهی

شود. با توجه به ماهیت رویکرد تصویر هنری، فعالیت‌های یادگیری مبتنی بر تکالیف عملکردی هستند که در آن‌ها از حواس پنجگانه و با در نظر گرفتن سبک‌های مختلف یادگیری دانش‌آموزان استفاده می‌شود که رعایت این موارد باعث افزایش انگیزش فراگیران شده و میزان مشارکت آن‌ها را در فعالیت‌های یادگیری بالا می‌برد. رویکرد تصویر هنری در درس زبان انگلیسی معتقد به نظریه هوش‌های چندگانه بوده و از معلم می‌خواهد در فعالیت‌های آموزشی خود از آموزش تجسمی، عملی و چندوجهی استفاده کند. همچنین با توجه به پیشرفت فناوری‌های نوین استفاده از ابزارهای نوین آموزشی در کنار آموزش سنتی در قالب آموزش ترکیبی و تعاملی از ویژگی‌های این رویکرد برنامه درسی است. مواد و منابع آموزشی در این رویکرد شامل عناصر بصری و ابزار فناورانه در ابعاد هنری مختلف است و این ابزارها در فعالیت‌های آموزشی در قالب گروه‌ها و نیز بصورت انفرادی در یک بازه زمانی کافی و یک محیط آموزشی پویا و حمایت‌گر مورد استفاده قرار می‌گیرند. ارزشیابی در این رویکرد مشتمل بر ارزشیابی تجمیعی، ارزشیابی تکوینی، ارزشیابی غیر رسمی و ارزشیابی چندبعدی است و اثربخشی برنامه‌های آموزشی با انواع مختلفی از ارزشیابی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برای بررسی اعتبار الگوی طراحی شده، خلاصه‌ای از الگوی پیشنهادی، سؤالات مربوط به الگو و طرح شماتیک الگو در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ریزی درسی قرار گرفت. همچنین با مصاحبه حضوری در زمینه سؤالات، عناصر و ویژگی‌های الگوی پیشنهادی، از دیدگاه و نظرات آن‌ها برای اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی استفاده شد. پرسشنامه حاوی نظرخواهی از مشارکت‌کنندگان درباره هر یک از عناصر الگوی برنامه‌درسی پیشنهادی و الگوی شماتیک در یک طیف سه گزینه‌ای (زیاد، متوسط و کم) و سؤالات باز پاسخ بود. در مجموع تعداد ۱۰ نفر پرسشنامه را تکمیل کردند که از متخصصان حوزه برنامه‌ریزی درسی بودند. پس از دریافت نظرات، پیشنهادها و راهنمایی‌های افراد مشارکت‌کننده، اعتبار الگوی پیشنهادی مورد بررسی قرار گرفت و پس از بررسی پاسخ مشارکت‌کنندگان، نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۳: نتایج اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی مبتنی بر رویکرد تصویر هنری در درس زبان انگلیسی

عنصر / پرسش	فراوانی و درصد فراوانی			CVR
	زیاد	متوسط	کم	
منطق	۸	۲	۰	۰/۷۶
اهداف	۹	۱	۰	۰/۷۸
محتوا	۸	۲	۰	۰/۷۳
راهبردهای یاددهی و یادگیری	۹	۱	۰	۰/۸۱
نقش معلم	۸	۲	۰	۰/۷۴
مواد و منابع	۹	۱	۰	۰/۷۰
گروه‌بندی	۷	۳	۰	۰/۷۲
مکان	۱۰	۰	۰	۰/۷۸
زمان	۸	۲	۰	۰/۷۴
روش‌های ارزشیابی	۸	۲	۰	۰/۸۱
توافق کلی با الگوی پیشنهادی	۸	۲	۰	۰/۷۴

جهت بررسی اعتبار نهایی الگوی پیشنهادی، از فرمول نسبت روایی محتوا (CVR) و مقادیر ذکر شده در جدول لاوشه بر اساس تعداد مشارکت‌کنندگان در آزمون استفاده شد. بر اساس مقادیر جدول لاوشه و با توجه به تعداد مشارکت‌کنندگان (۱۰ نفر)، سؤالاتی که مقدار نسبت روایی محتوای آن‌ها بیش از ۰/۵۶ بود، قابل قبول هستند. تمامی سؤالات مطرح شده نمراتی بیشتر از مقدار ذکر شده در جدول لاوشه را کسب نمودند. میانگین ضریب لاوشه (CVR) برای کل سؤالات الگوی پیشنهادی ۰/۷۴ برآورد شد. بنابراین اعتبار الگوی برنامه درسی مبتنی بر رویکرد تصویر هنری درس زبان انگلیسی معتبر شناخته شد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی آموزش زبان انگلیسی با رویکرد تصویر هنری در پایه هفتم دوره اول متوسطه انجام شد. نتایج سنتز پژوهی و تحلیل محتوای اسناد نشان داد که الگوی پیشنهادی را می‌توان در قالب عناصر اصلی برنامه درسی شامل منطق، اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، نقش معلم، مواد و منابع، گروه‌بندی، زمان، مکان و ارزشیابی سازمان‌دهی کرد. در سطح منطق، مؤلفه‌هایی مانند تسهیل یادگیری، تمرین مهارت‌های زندگی، پرورش خلاقیت و تفکر انتقادی، کاربرد آموخته‌ها در زندگی واقعی، تعمیق یادگیری و جذاب‌سازی فرایند یادگیری شناسایی شد. اهداف الگو نیز بر کاربرد یادگیری‌ها، یادگیری فعال و پایدار، فراهم‌سازی امکان بروز احساسات درونی و درک ابعاد زیبایی‌شناختی تأکید داشت. افزون بر این، یافته‌ها نشان داد که محتوا باید بین‌رشته‌ای، کاربردی، چندرسانه‌ای و دارای سازمان‌دهی مارپیچی باشد؛ فعالیت‌های یادگیری نیز باید بر تکالیف عملکردی، مشارکت فراگیران، انگیزش، استفاده از حواس و توجه به تفاوت‌های یادگیری استوار شود. نتایج اعتبارسنجی نیز نشان داد که تمامی عناصر الگو از نظر متخصصان واجد روایی محتوایی قابل قبول بودند و میانگین نسبت روایی محتوا برای کل الگو برابر با ۰.۷۴ به دست آمد؛ بنابراین، الگوی پیشنهادی از اعتبار مناسبی برخوردار است.

نخستین یافته مهم پژوهش به منطق برنامه درسی مبتنی بر تصویر هنری مربوط بود. بر اساس نتایج، استفاده از تصویر هنری در آموزش زبان انگلیسی باید با هدف ایجاد یادگیری آسان‌تر، عمیق‌تر، جذاب‌تر و کاربردی‌تر صورت گیرد و در عین حال فرصت‌هایی برای توسعه مهارت‌های زندگی، تفکر انتقادی و خلاقیت فراهم کند. این نتیجه با دیدگاه‌هایی همسو است که تلفیق هنر را نه یک فعالیت جانبی، بلکه سازوکاری برای بازآرایی تجربه یادگیری می‌دانند. در مرور مطالعات یادگیری تلفیقی با هنر، تأکید شده است که فعالیت‌های هنری می‌توانند مشارکت دانش‌آموزان، درگیری شناختی و معناداری تجربه یادگیری را افزایش دهند (Zehra & Masih, 2025). همچنین، تلفیق هنر با محیط کلاس می‌تواند با فراهم کردن موقعیت‌های خلاقانه و انعطاف‌پذیر، زمینه مشارکت فعال‌تر یادگیرندگان و شکل‌گیری یادگیری عمیق‌تر را ایجاد کند (Prajapati & Pachauri, 2025). یافته‌های مربوط به تأثیر هنرهای خلاق نیز نشان می‌دهند که این فعالیت‌ها از طریق برانگیختن کنجکاوی، مشارکت و تجربه مستقیم، یادگیری را برای دانش‌آموزان معنادارتر می‌سازند (Kakungulu Samuel, 2024). بنابراین، تأکید الگوی حاضر بر جذاب‌سازی، تعمیق و کاربردی کردن یادگیری را می‌توان ناشی از ماهیت تجربه‌محور و چندحسی هنر دانست.

یافته دیگر نشان داد که برنامه درسی مبتنی بر تصویر هنری باید اهدافی فراتر از یادگیری صرف واژگان و قواعد زبانی دنبال کند و بر یادگیری فعال و پایدار، کاربرد آموخته‌ها، بیان احساسات و درک زیبایی‌شناختی تمرکز داشته باشد. این نتیجه با مطالعاتی هماهنگ است که هنر را بستری برای ایجاد پیوند میان یادگیری شناختی و عاطفی تلقی کرده‌اند. استفاده از فعالیت‌های هنری در آموزش زبان می‌تواند به زبان‌آموز اجازه دهد احساسات و تجارب خود را با استفاده از نشانه‌های زبانی و تصویری بازنمایی کند و در نتیجه، یادگیری از حالت دریافت منفعل اطلاعات خارج شود (Majidi, 2024). همچنین، آموزش هنربنیان در کلاس زبان، به‌ویژه در فعالیت‌های مکالمه‌ای، زمینه‌ای برای تولید فعال زبان و بیان شخصی فراهم می‌سازد (Salim, 2025). یافته‌های مربوط به تربیت زیبایی‌شناختی نیز نشان می‌دهد که فعالیت‌های هنری می‌توانند ظرفیت مشاهده، ادراک، احساس و تفسیر دانش‌آموزان را توسعه دهند و تجربه آموزشی را از یادگیری صرفاً شناختی فراتر ببرند (Sarvani Moghadam et al., 2023). از این منظر، تصویر هنری هم ابزار یادگیری زبان و هم محرکی برای تجربه زیبایی‌شناختی و بیان فردی است.

در بعد محتوا، یافته‌ها بر ضرورت استفاده از محتوای بین‌رشته‌ای، کاربردی و چندرسانه‌ای و سازمان‌دهی مارپیچی تأکید داشتند. این نتیجه نشان می‌دهد که برنامه درسی زبان انگلیسی مبتنی بر تصویر هنری نباید از زندگی واقعی و سایر حوزه‌های یادگیری جدا باشد. محتوای بین‌رشته‌ای امکان آن را فراهم می‌کند که زبان انگلیسی با موضوعاتی مانند محیط زیست، صلح، حقوق بشر، فرهنگ، هنر و مسائل اجتماعی مرتبط شود. این نتیجه با تأکید بر نقش معلم زبان در تلفیق آموزش زبان با موضوعات بین‌رشته‌ای همخوان است (Sadeghi Karchaei, 2025). همچنین، مطالعات مربوط به طراحی برنامه‌های درسی جدید زبان در ایران، لزوم حرکت به سوی شایستگی‌محوری، کاربردی‌بودن محتوا و ایجاد ارتباط میان آموزش و نیازهای واقعی را مورد تأکید قرار داده‌اند (Dashtestani & Foroutanian, 2025). تلفیق هنر با موضوعات چندفرهنگی نیز می‌تواند موجب تقویت درک فرهنگی و شکل‌گیری نگرش‌های چندجانبه در یادگیرندگان شود (Liu, 2022; Sadr et al., 2022). از این رو، بین‌رشته‌ای بودن محتوای الگو می‌تواند به دانش‌آموز کمک کند زبان را در قالب موضوعات واقعی و معنادار تجربه کند.

تأکید بر محتوای چندرسانه‌ای نیز یکی از نتایج مهم پژوهش بود. در محیط‌های یادگیری امروز، تصویر هنری می‌تواند با متن، صدا، ویدئو، انیمیشن و ابزارهای دیجیتال تلفیق شود و تجربه‌ای چندوجهی ایجاد کند. نتایج پژوهش‌های مربوط به روش‌های بصری چندوجهی نشان داده است که استفاده همزمان از محرک‌های دیداری و شنیداری می‌تواند درک صوتی - تصویری و مهارت‌های ارتباطی زبان‌آموزان را بهبود بخشد (Al-Jumaily & Alazzawi, 2025). همچنین، استفاده از ابزارهای دیجیتال در آموزش زبان انگلیسی، فرصت‌هایی برای تنوع‌بخشی به منابع، افزایش تعامل و ارائه محتوای انعطاف‌پذیر فراهم می‌کند (Sim & Ismail, 2023). داستان‌گویی دیجیتال نیز نمونه‌ای از پیوند میان زبان، تصویر، روایت و فناوری است که می‌تواند ظرفیت مشارکت و تولید معنا را در کلاس‌های زبان افزایش دهد (Subhamol & Shobhana, 2025). بنابراین، تأکید الگو بر چندرسانه‌ای بودن محتوا با ماهیت چندوجهی ارتباط و الزامات آموزش زبان در محیط‌های آموزشی جدید همخوانی دارد.

در بخش راهبردهای یاددهی - یادگیری، نتایج نشان داد که تکالیف عملکردی، استفاده از حواس مختلف، توجه به سبک‌های متفاوت یادگیری، افزایش انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان از مؤلفه‌های اساسی الگو هستند. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی هماهنگ است که نشان داده‌اند تصویر، نقاشی و طراحی می‌توانند فعالیت‌های آموزشی را از سطح مشاهده منفعل به سطح تولید و تعامل منتقل کنند. استفاده از نقاشی در آموزش واژگان انگلیسی می‌تواند با ایجاد ارتباط میان شکل بصری و معنای واژگان، فرایند رمزگذاری و یادآوری را تسهیل کند (Assadi & Obed, 2025). همچنین، طراحی و ترسیم می‌تواند به دانش‌آموزان، به‌ویژه زبان‌آموزان جوان، کمک کند تا پیش از سخن گفتن افکار خود را سازمان‌دهی کرده و با اعتماد بیشتری در فعالیت‌های گفتاری شرکت کنند (Jianggimahastu & Fahas, 2025). یافته‌های مرتبط با آموزش تلفیقی هنر نیز نشان می‌دهد که فعالیت‌های هنری می‌توانند درگیری شناختی و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهند (DuPre, 2025). بنابراین، تکالیف عملکردی در این الگو از آن جهت اهمیت دارند که زبان را از موضوعی برای حفظ کردن به ابزاری برای انجام دادن، ساختن، بیان کردن و تعامل تبدیل می‌کنند.

افزایش انگیزش فراگیران نیز در یافته‌های این مطالعه جایگاه برجسته‌ای داشت. انگیزش در آموزش زبان اهمیت خاصی دارد، زیرا یادگیری زبان فرایندی مستمر و نیازمند مشارکت مداوم است. فعالیت‌های هنری از طریق ایجاد تنوع، آزادی در بیان، فرصت انتخاب و امکان تولید آثار شخصی می‌توانند احساس مالکیت دانش‌آموز نسبت به یادگیری را تقویت کنند. نتایج مطالعات انجام شده در زمینه فعالیت‌های هنری در آموزش زبان انگلیسی نشان داده است که استفاده از این فعالیت‌ها می‌تواند انگیزه و علاقه دانش‌آموزان را نسبت به درس افزایش دهد (Majidi, 2024). به همین ترتیب، فعالیت‌های گروهی در کلاس زبان می‌توانند با افزایش تعامل و حمایت اجتماعی، انگیزه یادگیری را تقویت کنند (Ebadian, 2023). پژوهش درباره آموزش هنر و مشارکت مدرسه‌ای نیز نشان می‌دهد که تجربه‌های هنری با کیفیت ادراک دانش‌آموزان از محیط مدرسه و میزان درگیری آنان با فعالیت‌های آموزشی ارتباط دارند (Bowen & Kisida, 2024). همچنین، برنامه‌های هنرینان می‌توانند ادراک مثبت‌تری از فضای آموزشی ایجاد کنند (Alizadeh, 2024). در نتیجه، تصویر هنری می‌تواند علاوه بر کارکرد شناختی، از طریق افزایش جذابیت و احساس تعلق، نقش انگیزشی مهمی در برنامه درسی داشته باشد.

یافته‌های پژوهش در مورد نقش معلم نشان داد که در الگوی پیشنهادی، معلم باید از آموزش تجسمی، عملی، چندوجهی، ترکیبی و تعاملی بهره گیرد و تفاوت‌های فردی فراگیران را در طراحی تجربه‌های یادگیری مورد توجه قرار دهد. این یافته نشان‌دهنده تغییر نقش معلم از انتقال‌دهنده مستقیم دانش به طراح و تسهیل‌گر تجربه یادگیری است. تحولات برنامه‌های درسی معاصر نیز نشان می‌دهد که معلم باید بتواند محتوای رسمی را متناسب با شرایط کلاس و نیازهای دانش‌آموزان بازتفسیر و اجرا کند (Walsh, 2023). همچنین، در چارچوب‌های ارزیابی و اجرای برنامه‌های آموزشی، نقش معلم در انتخاب راهبردهای مناسب، هدایت یادگیری و هماهنگ‌سازی اجزای برنامه مورد تأکید قرار گرفته است (Mukhter et al., 2022). از آنجا که استفاده از تصویر هنری مستلزم انتخاب تصاویر متناسب، طرح پرسش، ایجاد گفتگو، سازمان‌دهی فعالیت و تلفیق زبان با هنر است، شایستگی حرفه‌ای معلم شرط اساسی برای موفقیت چنین برنامه‌ای خواهد بود.

نتایج مربوط به مواد و منابع نیز نشان داد که عناصر بصری، ابزارهای فناورانه و ابزارهای هنری باید به عنوان منابع اصلی در اجرای الگو مورد استفاده قرار گیرند. این یافته با مطالعات مربوط به تصویر در کتاب‌های زبان انگلیسی همسو است که تأکید دارند تصویر می‌تواند نقش معناآفرین داشته باشد و کیفیت ارتباط آن با متن بر فهم پیام اثر بگذارد (N. Tanhayee Ahari et al., 2023; Nasrin Tanhayee Ahari et al., 2023). تحلیل تصاویر کتاب انگلیسی پایه هفتم نیز اهمیت ویژگی‌های بصری، تناسب تصویر با محتوا و کیفیت کارکرد آموزشی تصاویر را نشان داده است (Rahiminejad et al., 2023). همچنین، یافته‌های مربوط به تلفیق زبان و هنرهای تجسمی نشان داده است که استفاده نظام‌مند از عناصر بصری می‌تواند عملکرد و رضایت زبان‌آموزان را ارتقا دهد (Zhang & Jia, 2022). بنابراین، در الگوی پیشنهادی، تصویر نباید تنها جنبه تزئینی داشته باشد، بلکه لازم است براساس اهداف آموزشی، کیفیت بصری و ظرفیت تولید معنا انتخاب شود.

در زمینه گروه‌بندی، یافته‌ها نشان داد که فعالیت‌های برنامه می‌توانند به شکل فردی و گروهی انجام شوند. این ترکیب منطقی است، زیرا برخی فعالیت‌های هنری و زبانی نیازمند فرصت برای تأمل، طراحی و بیان فردی‌اند، در حالی که فعالیت‌های گروهی امکان گفتگو، تبادل نظر، همکاری و یادگیری اجتماعی را ایجاد می‌کنند. یافته‌های مربوط به تلفیق موسیقی، نمایش و هنرهای تجسمی نشان می‌دهند که فعالیت‌های هنری گروهی می‌توانند زمینه رشد اجتماعی و روان‌شناختی دانش‌آموزان را فراهم آورند (Brovchak et al., 2024). همچنین، هنرهای خلاق از طریق ایجاد فرصت مشارکت و تعامل، یادگیری گروهی را تقویت می‌کنند (Kakungulu Samuel, 2024). بنابراین، ترکیب انعطاف‌پذیر فعالیت‌های فردی و مشارکتی می‌تواند امکان پاسخ‌گویی به نیازهای متفاوت دانش‌آموزان را فراهم سازد.

در مورد زمان و مکان نیز نتایج نشان داد که اجرای برنامه درسی مبتنی بر تصویر هنری نیازمند زمان کافی و محیط آموزشی پویا، منعطف و حمایتگر است. فعالیت‌هایی مانند نقاشی، تحلیل تصویر، اجرای نمایش، ساخت روایت تصویری و تولید محتوای چندرسانه‌ای معمولاً به زمان بیشتری نسبت به روش‌های سخنرانی و تمرین‌های بسته نیاز دارند. در عین حال، محیط باید امکان جابه‌جایی، کار گروهی، نمایش آثار و استفاده از ابزارهای هنری و فناورانه را فراهم سازد. نتایج مطالعات تلفیق هنر در آموزش ابتدایی نیز نشان می‌دهد که کیفیت محیط و سازمان‌دهی فعالیت‌ها در موفقیت رویکردهای هنرمحور اهمیت دارد (Velayutham, 2024). بررسی چارچوب‌های مدارس مبتنی بر تلفیق هنر نیز نشان می‌دهد که اجرای موفق این رویکرد مستلزم وفاداری به مجموعه‌ای از اصول ساختاری است و نمی‌توان آن را به فعالیت‌های پراکنده محدود کرد (Wheeler, 2022). در نتیجه، توجه به زمان و مکان در الگوی حاضر، نشان‌دهنده نگاه نظام‌مند به شرایط اجرای برنامه درسی است.

در بخش ارزشیابی، یافته‌ها نشان داد که الگوی پیشنهادی بر ترکیبی از ارزشیابی تکوینی، تجمیعی، غیررسمی و جامع تأکید دارد. چنین نتیجه‌ای با ماهیت چندبعدی یادگیری مبتنی بر هنر سازگار است، زیرا سنجش موفقیت دانش‌آموزان تنها از طریق آزمون‌های کتبی نمی‌تواند مهارت‌هایی مانند مشارکت، خلاقیت، کاربرد زبان، تولید اثر و تعامل را پوشش دهد. مبانی نظری ارزیابی آموزشی نیز بر ضرورت استفاده از الگوهای چندبعدی برای بررسی فرایند و پیامدهای آموزش تأکید دارند (Mousapour, 2022). در چارچوب‌های ارزیابی برنامه‌های آموزشی نیز سنجش باید به گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر نتایج نهایی، کیفیت اجرا و تجربه یادگیرندگان را منعکس کند (Mukhter et al., 2022).

(2022). بنابراین، ارزشیابی در این الگو باید بیش از اندازه‌گیری دانش زبانی، توانایی استفاده از زبان در فعالیت‌های واقعی و هنری را نیز مورد توجه قرار دهد.

در نهایت، نتایج اعتبارسنجی نشان داد که همه مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی از سوی متخصصان تأیید شدند و میانگین CVR برابر با ۰.۷۴ بود. بالاتر بودن نسبت روایی محتوای تمامی عناصر از حد قابل قبول، نشان می‌دهد که ساختار استخراج‌شده از سنتز پژوهش‌ها از منظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی نیز تناسب کافی دارد. بیشترین مقادیر CVR به راهبردهای یاددهی - یادگیری و روش‌های ارزشیابی مربوط بود که هر دو مقدار ۰.۸۱ را به دست آوردند؛ این امر می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت ویژه چگونگی اجرای آموزش و نحوه سنجش یادگیری در رویکرد تصویر هنری باشد. در مجموع، همسویی مؤلفه‌های استخراج‌شده با شواهد مربوط به یادگیری تلفیقی با هنر (Prajapati & Pachauri, 2025; Zehra & Masih, 2025)، نقش هنر در مشارکت و پیشرفت یادگیری (Bowen & Kisida, 2024; DuPre, 2025)، آموزش چندوجهی زبان (Al-Jumaily & Alazzawi, 2025) و ضرورت بازطراحی برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای جدید آموزش زبان (Dashtestani & Foroutanian, 2025; Janipour, 2024) از پشتوانه نظری و پژوهشی الگوی پیشنهادی حمایت می‌کند. افزون بر این، تأکید بر مهارت‌های زندگی در منطق الگو با دیدگاهی هماهنگ است که برنامه درسی مدرسه را بستری برای توسعه توانایی‌های کاربردی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌داند (Pourgolou, 2024). بنابراین، الگوی حاضر می‌تواند چارچوبی منسجم برای پیوند آموزش زبان، تصویر هنری، تجربه چندوجهی و یادگیری فعال در پایه هفتم فراهم آورد.

پژوهش حاضر با چند محدودیت همراه بود. نخست، بخش کیفی پژوهش مبتنی بر سنتز منابع و اسناد موجود بود؛ بنابراین، کیفیت و دامنه الگوی استخراج‌شده تا حدی به تنوع، کیفیت روش‌شناختی و دسترس‌پذیری مطالعات پیشین وابسته است. دوم، اعتبارسنجی الگو با مشارکت تعداد محدودی از متخصصان برنامه‌ریزی درسی انجام شد و دیدگاه معلمان زبان انگلیسی، دانش‌آموزان، مدیران مدارس و طراحان کتاب‌های درسی مستقیماً در مرحله اعتبارسنجی وارد نشد. سوم، پژوهش حاضر بر طراحی و اعتبارسنجی محتوایی الگو تمرکز داشت و الگو در محیط واقعی کلاس درس اجرا و اثربخشی آن بر پیامدهایی مانند پیشرفت زبان انگلیسی، انگیزش، خلاقیت، مشارکت و نگرش دانش‌آموزان بررسی نشد. همچنین، تفاوت‌های مربوط به امکانات مدارس، دسترسی به فناوری و ابزارهای هنری و شایستگی معلمان در اجرای الگو در مرحله فعلی مورد آزمون تجربی قرار نگرفت.

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده الگوی طراحی‌شده در قالب پژوهش‌های آزمایشی و نیمه‌آزمایشی در مدارس اجرا و اثر آن بر مهارت‌های چهارگانه زبان انگلیسی، یادگیری واژگان، انگیزش، خلاقیت، تفکر انتقادی، تعامل کلاسی و یادگیری پایدار بررسی شود. همچنین، مناسب است اعتبار الگو با استفاده از نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تری از معلمان، متخصصان برنامه درسی، طراحان آموزشی و دانش‌آموزان در مناطق مختلف جغرافیایی بررسی شود. انجام پژوهش‌های طولی برای تعیین ماندگاری پیامدهای این رویکرد، مقایسه آن با روش‌های رایج آموزش زبان و بررسی نقش متغیرهایی مانند جنسیت، سبک یادگیری، سطح اولیه زبان و دسترسی به فناوری نیز می‌تواند شناخت دقیق‌تری از شرایط

اثر بخشی الگو فراهم کند. افزون بر این، توسعه نسخه‌های متناسب با سایر پایه‌های تحصیلی و بررسی امکان تلفیق الگو با داستان‌گویی دیجیتال، واقعیت افزوده و سایر محیط‌های چندرسانه‌ای پیشنهاد می‌شود.

پیشنهاد می‌شود طراحان برنامه درسی و مؤلفان کتاب‌های زبان انگلیسی از تصاویر هنری به صورت هدفمند و مرتبط با اهداف زبانی استفاده کنند و برای هر تصویر، فعالیت‌هایی مانند توصیف، داستان‌سازی، گفتگو، ایفای نقش، مقایسه، استنباط و تولید متن طراحی شود. همچنین، لازم است دوره‌های توانمندسازی برای معلمان زبان انگلیسی برگزار شود تا آنان با اصول انتخاب و تحلیل تصاویر، طراحی فعالیت‌های هنربنیان، مدیریت فعالیت‌های گروهی و ارزشیابی عملکردی آشنا شوند. مدارس نیز می‌توانند با فراهم کردن ابزارهای ساده هنری، امکانات نمایش آثار، منابع دیجیتال و محیط‌های انعطاف‌پذیر، شرایط اجرای این رویکرد را تقویت کنند. در نهایت، توصیه می‌شود ارزشیابی دانش‌آموزان علاوه بر آزمون‌های مرسوم، شامل پوشه کار، پروژه‌های تصویری، ارائه شفاهی، خودارزیابی، ارزشیابی همتایان و مشاهده عملکرد باشد تا ابعاد مختلف یادگیری زبان در یک محیط هنربنیان به طور جامع سنجیده شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

EXTENDED SUMMARY

Introduction

English language education in contemporary school systems is increasingly expected to move beyond the transmission of vocabulary, grammatical structures, and decontextualized linguistic knowledge toward the development of communicative competence, creativity, critical thinking, cultural awareness, and the ability to use language meaningfully in authentic situations. Changes in communication technologies, the expansion of intercultural interaction, and the evolving characteristics of contemporary learners have challenged conventional teacher-centered approaches to foreign language education. Accordingly, English curricula need to provide learners with active, meaningful, contextualized, and engaging experiences rather than relying predominantly on memorization and repetitive exercises. Contemporary discussions of English language teaching highlight the need to respond to twenty-first-century educational changes and to create more flexible learning opportunities that connect language instruction with learners' actual communicative needs (Janipour, 2024). In the Iranian educational context, competency-oriented curriculum development has likewise been emphasized as a means of reducing the gap between formal instruction and the practical use of English and of responding more appropriately to emerging educational needs (Dashtestani & Foroutanian, 2025).

One promising approach to such curriculum renewal is the integration of art into teaching and learning. Art-integrated learning regards artistic experience not merely as an extracurricular or decorative component but as a means of organizing learning experiences and facilitating the construction of meaning. Reviews of art-integrated education indicate that incorporating artistic activities into instruction can promote active engagement, creativity, deeper understanding, and connections across disciplinary domains (Zehra & Masih, 2025). Similarly, the development of creative classrooms through art-integrated learning can provide opportunities for exploration, interpretation, experimentation, and learner-centered participation (Prajapati & Pachauri, 2025). These features are particularly relevant to language education because successful language learning depends strongly on meaningful interaction, multimodal representation, motivation, and opportunities for learners to express personal meanings.

Visual arts, particularly artistic images, drawing, and painting, have considerable potential in English language instruction. Images may operate as cognitive and communicative stimuli that help learners connect linguistic forms with meanings, situations, emotions, and experiences. Painting-based activities have been shown to facilitate English vocabulary acquisition by establishing meaningful relationships between visual representations and lexical concepts (Assadi & Obed, 2025). Drawing and sketching can also support young learners' speaking performance by providing an accessible point of departure for organizing ideas and producing oral language (Jianggimahastu & Fahas, 2025). Moreover, multimodal visual methodologies can contribute to audiovisual comprehension as well as verbal and nonverbal communication (Al-Jumaily & Alazzawi, 2025). Art-based language pedagogy similarly provides opportunities for meaningful conversational practice and personal expression (Salim, 2025).

The value of art integration is not limited to linguistic outcomes. Artistic activities may enhance student motivation, engagement, creativity, emotional expression, and perceptions of the learning environment. Creative arts have been associated with increased student participation and more engaging learning experiences (Kakungulu Samuel, 2024), while arts education has also been examined in relation to school engagement and climate (Bowen & Kisida, 2024). Arts-based instructional experiences can strengthen students' perceptions of their educational environment (Alizadeh, 2024), and the use of artistic activities in English instruction may enhance learners' motivation and interest (Majidi, 2024). Group-based learning activities can further reinforce motivation for learning English by creating opportunities for interaction and cooperation (Ebadian, 2023). Arts integration may additionally contribute to academic engagement and achievement (DuPre, 2025) and provide broader developmental opportunities when music, drama, and visual arts are integrated into educational programs (Brovchak et al., 2024; Velayutham, 2024).

Artistic-image-based language education can also support interdisciplinary and cultural learning. Art provides opportunities to explore cultural meanings and diverse perspectives and may therefore contribute to cultural competence (Liu, 2022). Curriculum models based on multicultural approaches to art similarly emphasize the educational importance of cultural diversity and multiple perspectives (Sadr et al., 2022). In English language education, interdisciplinary themes such as environmental issues, peace, and human rights can be integrated with linguistic objectives, enabling learners to use English in relation to meaningful social and cultural topics (Sadeghi Karchaei, 2025). Evidence from integrated visual-art and language instruction also indicates potential benefits for language performance and learner satisfaction in culturally diverse populations (Zhang & Jia, 2022).

The effectiveness of such an approach, however, depends on systematic curriculum design. Images cannot simply be added to textbooks as decorative elements. Research on English textbooks has highlighted the meaning-making function of visual materials and the importance of relationships between visual and verbal content (N. Tanhayee Ahari et al., 2023; Nasrin Tanhayee Ahari et al., 2023). Qualitative analysis of the visual features of the seventh-grade English textbook also indicates the importance of considering the educational and communicative functions of textbook imagery (Rahiminejad et al., 2023). Furthermore, aesthetic and artistic education can contribute to learners' perceptual sensitivity, imagination, interpretation, and emotional experience (Sarvani Moghadam et al., 2023). Digital technologies extend these possibilities by enabling the integration of images, video, multimedia, and interactive resources into English instruction (Sim & Ismail, 2023), while digital storytelling offers another means of combining language, narrative, visual expression, and technology (Subhamol & Shobhana, 2025).

A coherent model must consequently address not only content but also objectives, learning activities, teacher roles, resources, grouping, time, learning environment, and assessment. Teachers are particularly important because they interpret curriculum intentions and translate them into classroom experiences (Walsh, 2023). Systematic program frameworks also emphasize coherence among the different components of educational design and evaluation (Mousapour, 2022; Mukhter et al., 2022). Fidelity to an integrated educational framework is similarly important if arts integration is to become a systematic

instructional orientation rather than a collection of disconnected activities (Wheeler, 2022). Moreover, contemporary curricula are expected to facilitate the acquisition of life skills that students can use beyond school settings (Pourgolou, 2024). Therefore, the present study aimed to synthesize the available evidence and design and validate an English language curriculum model based on the artistic image approach for seventh-grade students in lower secondary education.

Methods and Materials

The study employed an applied, descriptive-analytical design with an integrated qualitative–quantitative approach. In the qualitative phase, documentary content analysis and research synthesis were used to develop the proposed curriculum model. Relevant articles, books, dissertations, and other scientific documents concerning English language curriculum, arts integration, artistic images, and related curriculum components were systematically identified through scientific databases and repositories. A total of 135 studies were initially identified according to the inclusion criteria. Following application of the exclusion criteria and assessment of relevance, 55 studies were retained for the final synthesis and qualitative analysis.

The qualitative analysis followed a synthesis process based on the interactive stages proposed by Hord and Roberts and was conducted through open and axial coding. The curriculum elements provided the organizing framework for categorizing the extracted concepts. Relevant concepts were initially identified through open coding, after which conceptually similar codes were grouped into broader categories corresponding to the curriculum elements. To examine coding reliability, two evaluators independently participated in recoding the material. Inter-rater agreement was calculated using Cohen's kappa-based procedure, and an agreement level of 83% was obtained.

In the quantitative phase, the conceptual framework derived from the qualitative synthesis was transformed into a proposed curriculum model and presented to 10 specialists in curriculum planning. The experts evaluated the components of the model through a questionnaire containing items relating to each curriculum element and the schematic representation of the model. Responses were collected on a three-level scale of high, moderate, and low agreement, accompanied by open-ended questions that allowed experts to provide additional comments and recommendations. Content validity was examined using the Content Validity Ratio (CVR). The experts' feedback was subsequently used to evaluate and finalize the proposed model.

Findings

The research synthesis resulted in a curriculum model comprising interrelated elements of rationale, objectives, content, teaching and learning strategies, teacher role, materials and resources, grouping, time, learning environment, and assessment. The rationale for adopting an artistic-image-based English curriculum consisted of facilitating learning, practicing life skills, developing creativity and critical thinking, enabling the application of learning to real-life situations, deepening learning, and making the learning process more attractive. The major objectives identified for the model were the practical application of learning, active and sustainable learning, expression of inner emotions, and development of aesthetic understanding.

The content component was characterized by interdisciplinarity, practical relevance, multimedia presentation, and spiral organization. Learning activities emphasized performance-based assignments, involvement of multiple senses, attention to different learning preferences, learner motivation, and active participation. Regarding the teacher's role, the model emphasized visually supported, practical, multimodal, blended, and interactive instruction. Educational materials and resources included visual elements, technological resources, and artistic tools. Both individual and collaborative grouping formats were identified as appropriate. The model also emphasized the allocation of sufficient instructional time and the provision of a dynamic and supportive learning environment. Assessment was conceptualized as multidimensional and included summative, formative, informal, and comprehensive assessment procedures.

The quantitative validation results showed that all components exceeded the minimum acceptable CVR threshold of 0.56 for a panel of 10 experts. The CVR was 0.76 for rationale, 0.78 for objectives, 0.73 for content, 0.81 for teaching and learning strategies, 0.74 for the teacher's role, 0.70 for materials and resources, 0.72 for grouping, 0.78 for learning environment, 0.74 for time, and 0.81 for assessment methods. The overall mean CVR for the proposed model was 0.74. Thus, all components of the model were retained, and the content validity of the overall curriculum model was confirmed.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that an artistic-image-based English curriculum requires an integrated structure in which visual and artistic experiences are systematically connected to the major curriculum components. The resulting model does not conceptualize artistic images as supplementary illustrations; rather, they function as instructional and meaning-making resources that support linguistic learning, communication, creativity, aesthetic experience, and engagement. The identification of facilitating learning, deepening understanding, developing creativity and critical thinking, practicing life skills, and increasing the attractiveness of learning as central elements of the rationale indicates that the proposed approach extends beyond conventional language instruction.

The emphasis on active and sustainable learning, real-life application, emotional expression, and aesthetic understanding also suggests that the proposed curriculum is learner-centered and experience-oriented. Artistic images can provide a meaningful context in which learners observe, interpret, describe, compare, narrate, discuss, and produce language. Such processes

transform language learning from passive reception into active meaning construction. The identified emphasis on interdisciplinary and practical content further strengthens this orientation by connecting English instruction with learners' broader educational and everyday experiences.

Another significant aspect of the model is its emphasis on multimodal and performance-based learning. The simultaneous use of visual, linguistic, artistic, and technological resources can create multiple pathways through which students engage with learning materials. Performance tasks, sensory involvement, collaborative activities, and multimodal instruction may enable learners to demonstrate understanding through different forms of participation rather than through written linguistic performance alone. This feature is particularly relevant in seventh grade, where students may differ substantially in previous exposure to English, confidence, learning preferences, and willingness to communicate.

The model also assigns a central role to the teacher. Effective implementation requires teachers who can select appropriate artistic images, align them with linguistic objectives, design meaningful tasks, stimulate discussion, manage individual and collaborative learning, and integrate traditional and digital resources. Consequently, implementation of the model depends not only on curriculum materials but also on teacher preparation and the availability of supportive classroom conditions.

The inclusion of diverse assessment methods is another important strength of the model. Because artistic-image-based learning encompasses linguistic performance, participation, creativity, interaction, and practical application, relying exclusively on conventional written examinations would provide an incomplete representation of students' learning. Combining formative, summative, informal, and comprehensive assessment therefore provides a more appropriate basis for monitoring both learning processes and outcomes.

The expert-validation results further supported the conceptual adequacy of the model. All curriculum elements exceeded the required content-validity threshold, and the overall CVR of 0.74 indicated acceptable expert agreement concerning the relevance of the proposed framework. Teaching and learning strategies and assessment methods received the highest CVR values, both at 0.81, suggesting particularly strong expert agreement regarding the importance and suitability of these two components. Overall, the findings indicate that the proposed artistic-image-based English curriculum constitutes a coherent and content-valid framework for seventh-grade English education. By integrating linguistic objectives with visual arts, multimodal learning, active participation, real-life application, technological resources, and multidimensional assessment, the model has the potential to support a more engaging, meaningful, and comprehensive approach to English language teaching in lower secondary education.

References

- Al-Jumaily, I. H. A., & Alazzawi, I. T. J. (2025). The Influence of Multimodal Visual Methodologies on EFL University Students' Audio-Visual Comprehension, Verbal and Nonverbal Communication. *Journal of Language and Education*, 11(2), 35-56. <https://doi.org/10.17323/jle.2025.22731>
- Alizadeh, E. (2024). Effectiveness of an Art-Based Educational Program on Students' Perception of the School Environment. Fifth National Conference on Innovation and Research in Culture, Language, and Persian Literature, Tehran, Iran.
- Assadi, J., & Obed, D. A. (2025). Painting as a Pathway to Language Learning: Enhancing English Vocabulary Acquisition in Arab Classrooms in Israel. *Theory and Practice in Language Studies*, 15(7), 2114-2124. <https://doi.org/10.17507/tpls.1507.03>
- Bowen, D. H., & Kisida, B. (2024). Investigating Arts Education Effects on School Engagement and Climate. *Educational Policy*, 38(5), 1077-1107. <https://doi.org/10.1177/08959048231174880>
- Brovchak, L. S., Starovoi, L. V., Likhitska, L. M., Todosiienko, N. L., & Shvets, I. B. (2024). Integrating Music, Drama and Visual Arts in Extracurricular Programs: Enhancing Psychological Development in Early School-Aged Children. *Sapienza: International Journal of Interdisciplinary Studies*, 5(3), e24052. <https://doi.org/10.51798/sijis.v5i3.791>
- Dashtestani, R., & Foroutanian, S. (2025). Toward Designing a Competency-Based English for Specific Purposes Curriculum (E4CEC) in the Iranian Education Context: Challenges and Opportunities. *Applied Linguistics and Applied Literature: Dynamics and Advances*, 13(1), 91-108.
- DuPre, F. G. B. (2025). *Engaging Minds: Assessing the Impact of Arts-Integration on Science Achievement and Engagement Using Planned Experimentation* [Doctoral dissertation, Clemson University].
- Ebadian, K. (2023). The Effect of Group Activities on Increasing Students' Motivation to Learn English. Fifteenth National Conference on Management and Humanities Research in Iran, Tehran, Iran.
- Janipour, V. (2024). Teaching English in the 21st Century: Challenges, Changes, and Opportunities. *Humanities*, 1(1), 45.
- Jianggimahastu, P., & Fahas, R. (2025). Using Drawing and Sketch to Teach Speaking Ability for Young Learners. *Jurnal Pengabdian Masyarakat dan Riset Pendidikan*. <https://doi.org/10.31004/jerkin.v4i1.1868>
- Kakungulu Samuel, J. (2024). The Impact of Creative Arts on Student Engagement and Learning. *Research Invention Journal of Research in Education*, 4(1), 1-5. <https://doi.org/10.59298/RIJRE/2024/4115>
- Liu, C. H. (2022). *How Arts Integration Affects College Teachers and Students' Cultural Competence: A Grounded Theory Research* [Doctoral dissertation, St. John's University, New York].
- Majidi, M. (2024). How I Improved My Students' Learning and Motivation by Using Artistic Activities in English Language Teaching. First Conference on Humanities with a Modern Approach, Astara, Iran.
- Mousapour, N. (2022). Theoretical Foundations of Educational Evaluation Models. *Research and Planning in Higher Education*, 8(1), 119-144.

- Mukhter, M. S., Yunus, J., & Yuet, F. K. (2022). Conceptual Framework for Evaluation of Diploma Program in Automotive Technology in Vocational Colleges in Malaysia. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*. <https://doi.org/10.6007/IJARBS/v12-i1/12245>
- Pourgolou, M. J. (2024). The Importance of Life Skills Education in School Curricula. First International Conference on Modern Research in Educational Systems and Educational Sciences,
- Prajapati, S., & Pachauri, Y. (2025). Creative Classrooms: The Journey of Art-Integrated Learning (2005-2023). *Asian Journal of Applied Science and Technology*, 9(1), 107-121. <https://doi.org/10.38177/ajast.2025.9110>
- Rahiminejad, V., Golbakhsh, B., & Taslimi, N. (2023). Qualitative Content Analysis of the Visual Features of the Seventh-Grade Textbook English in School: Prospect. *Educational Innovations*, 22(3), 33-60.
- Sadeghi Karchaei, S. Z. (2025). The Role of the English Teacher in Integrating Language Education with Interdisciplinary Topics Such as Environment, Peace, and Human Rights. Second National Conference on Humanities with a Modern Approach and First International Research Conference of Innovative Educators, Astara, Iran.
- Sadr, A., Kian, M., Sadeghi, A., & Abbasi, E. (2022). Designing and Validating a Multicultural-Approach Art Curriculum Model for Lower Secondary Education. *Curriculum Studies*, 17(66), 75-112.
- Salim, L. A. H. (2025). Art-Based Pedagogy in Language Learning: Practical Study in Teaching Conversation at University Level. *Lark*, 17(1/Pt1), 882-906. <https://doi.org/10.31185/lark.3969>
- Sarvani Moghadam, A., Shirvani Shiri, A., & Akbari, J. (2023). Understanding Aesthetic and Artistic Education from the Perspective of Elementary School Teachers. *Education Quarterly*, 39(2), 103-118.
- Sim, J. S. E., & Ismail, H. H. (2023). Using Digital Tools in Teaching and Learning English: Delving into English Language Teachers' Perspectives. *Creative Education*, 14(10), 2021-2036. <https://doi.org/10.4236/ce.2023.1410129>
- Subhamol, M., & Shobhana, D. S. (2025). Digital Storytelling as a Catalyst for Enhancing Teaching Competency in Language Classrooms. *International Journal for Multidisciplinary Research*.
- Tanhayee Ahari, N., Ameri, H., Ameri, A., & Shaeeri, H. (2023). Investigation of the Reinforcement and Debilitation of the Meaning in the Pictures of English Books 1 & 2 (Vision) Based on Discoursal Semantic-Semiotic Approach. *Language Science*, 10(17), 215-246.
- Tanhayee Ahari, N., Ameri, H., Ameri, A., & Shaeeri, H. R. (2023). Investigation of the Reinforcement and Debilitation of Meaning in the Pictures of English Books 1 and 2 (Vision) Based on a Discoursal Semantic-Semiotic Approach. *Language Science*(17), 215-246.
- Velayutham, V. (2024). The Impact of Arts Integration in Primary Education. *Tuijin Jishu/Journal of Propulsion Technology*, 45(02), 4963-4974. <https://doi.org/10.52783/tjjpt.v45.i02.6724>
- Walsh, T. (2023). Redeveloping the Primary School Curriculum in Ireland.
- Wheeler, K. (2022). A Mixed Methods Critical Review of the A+ Schools in NC: Making a Case for Fidelity in Frameworks. *Journal for Learning through the Arts*, 18(1). <https://doi.org/10.21977/D918154868>
- Zehra, A., & Masih, A. (2025). Reconfiguring Pedagogical Constructs: A Scoping Review of Art-Integrated Learning. *Vidya: A Journal of Gujarat University*, 4(1), 130-138. <https://doi.org/10.47413/qr336262>
- Zhang, Y., & Jia, S. (2022). A Study on the Effects of Language and Visual Art Integrated Teaching on Language Learning Performance and Satisfaction of Ethnic Minority Students in China. *Frontiers in psychology*, 13. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.1048635>